

تحلیل مولفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان

رضا میرعرب رضی^۱، محسن حاجی تبار فیروزجائی^۲، سمیه آریانفر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تحلیل مولفه‌های سواد اقتصادی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه بوده که به روش پیمایشی و آنتروپی شانون انجام گرفت. جامعه آماری، دربرگیرنده ۱۲۰ معلم و ۳۶۰ دانش‌آموز دوره دبیرستان شهرستان آمل بوده است. حجم نمونه آماری شامل ۶۰ نفر از معلمان و ۱۸۴ نفر از دانش‌آموزان بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان احراز شد و پایایی آن (۰/۹۱) به دست آمد. نتایج نشان داد وضع موجود مولفه‌های سواد اقتصادی (حفظ و توسعه ثروت، اقتصاد و معیشت، کسب و کار، بطالت و بیکاری، توجه به کار آفرینی، اسراف و تبذیر، کسب حلال و تحول شغل و حرفه) در اهداف برنامه و اجرا نسبتاً مطلوب بوده و همچنین نتایج تی مستقل در این مورد نشان داد بین دانش‌آموزان و معلمان تفاوت معنادار نیست. نتایج آنتروپی شانون نشان داد در کتاب جامعه‌شناسی، بیشترین ضریب اهمیت مولفه تحول شغل و حرفه (۳/۰۵) و اقتصاد و معیشت (۲/۶۷) و کمترین مولفه بطالت و بیکاری (۰) و کارآفرینی (۰/۳۸) بود. در درس اقتصاد نیز ضریب اهمیت مولفه حفظ و توسعه ثروت با (۱۴/۱۲) بیشترین و مولفه اسراف و تبذیر (۱/۱۴)، کسب و کار (۱/۵۲) و کارآفرینی (۱/۹۰ درصد) کمترین بودند. با توجه به نقش روش و اهداف کتاب‌های درسی در سواد اقتصادی دانش‌آموزان، ضروری است معلمان و مولفان کتاب‌های درسی، به مولفه‌های سواد اقتصادی خصوصاً مولفه توجه به کسب و کار، کسب حلال، حفظ و توسعه ثروت و کارآفرینی، توجه لازم را داشته باشند.

واژگان کلیدی: شادکامی، موفقیت تحصیلی، فضای آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی

^۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده اجتماعی و علوم انسانی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

reza.mirarab@gmail.com

^۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده اجتماعی و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، hajitabar62@gmail.com

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه مازندران

مقدمه :

تربیت اقتصادی^۱ از دیر باز مورد توجه بشر بوده است. فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها و تمامی تمدن‌ها و ادیان بشری و الهی به انحای مختلف، تلویحاً و تصریحاً و در قالب آموزه‌های مختلف اخلاقی، فلسفی، عرفانی، فقهی، حقوقی و علمی، تعالیم اقتصادی خود را به پیروان و وابستگان خود آموزش داده و رفتارهای اقتصادی آنها را مدیریت کرده‌اند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰). تربیت اقتصادی به این دلیل اهمیت بسیار زیادی دارد که در عرصه مسائل اقتصادی، راه انتخاب بهتر را به انسان آموزش می‌دهد. جوامع انسانی به کمک تربیت اقتصادی می‌توانند برای استفاده از منابع محدود خود روش مناسب‌تری بیابند و آن را برای دستیابی به نتیجه مطلوب به کار گیرند (علیپور و همکاران، ۱۳۹۴).

امروزه، با وجود توجهات زیادی که به مبحث نابرابری‌های اقتصادی در مدرسه می‌شود، تحقیقات اندکی به وضعیت توسعه دانش و سواد اقتصادی می‌پردازند (لنی^۲، ۲۰۱۴). سواد اقتصادی به بیان علم برنامه‌ریزی آموزشی، تحقق اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری در حوزه اقتصادی است که از آن به طور عام به عنوان تربیت اقتصادی یاد می‌شود.

آموزش سواد اقتصادی در مدرسه به رشد و توسعه اقتصاد و به حوزه تربیت اقتصادی مربوط است. توجه به اهمیت تربیت مالی^۳ و رفتارسازی مطلوب در حوزه اقتصاد مقوله‌ای است که در طول سالیان گذشته همواره مد نظر برنامه‌ریزان اقتصادی و آموزشی کشورهای مختلف البته منطبق بر دیدگاه آنها از الگوی مطلوب و مادی زندگی فردی و اجتماعی قرار داشته و برای اجرایی نمودن آن سیاست‌گذاری هدفمندی را در عرصه نظام آموزشی و فرهنگی تدارک دیده‌اند (برینیا^۴ و ویکاس^۵، ۲۰۱۴). یکی از مهمترین فرصت‌ها برای تربیت اقتصادی مربوط به کتاب‌های درسی در سنین نوجوانی و مدارس متوسطه است. در دنیای امروزی داشتن سواد اقتصادی برای دانش‌آموزان حیاتی است، زیرا بحران‌های اقتصادی در دوره‌های زمانی مختلف ایجاد می‌شوند و نسل‌های مختلف نیاز به یادگیری نحوه مواجهه با این بحران‌ها و خطرات را دارند. امروزه هزاران مرکز آموزشی و صدها انجمن و مرکز ملی و بین‌المللی در جهان، با حجم ادبیاتی قریب به ده‌ها کتاب و هزاران مقاله در سال، در زمینه تربیت اقتصادی نوجوانان فعالیت می‌کنند و صدها میلیون مخاطب را چه به عنوان دانش‌آموز در مدرسه و چه در قالب مخاطبان رسانه‌های جمعی از مقاطع کودکان تا دبیرستان و بالاتر تحت پوشش مستقیم و غیرمستقیم تعلیم و تربیت و به عبارت دیگر رفتارسازی مطابق الگوی مطلوب اقتصادی خود قرار می‌دهند. حوزه سواد مالی و اقتصادی حوزه‌ای بسیار شناخته شده و فربه‌ی به لحاظ حجم ادبیات و تجارب حاصله در دنیای امروز محسوب می‌گردد (لنی، ۲۰۱۵). از مهمترین مولفه‌های تربیت

¹ - Economic education

² - Leny

³ - Financial Education

⁴ - Brinia

⁵ - Vikas

اقتصادی جهانی عبارتند از حفظ و توسعه ثروت فردی و جامعه (بکر^۱، ۱۹۹۰)؛ موضوع معیشت فردی (باچ^۲، ۲۰۰۹، بکر، ۱۹۹۰)؛ دانش قوانین کسب و کار، پرهیز از بطالت و بیکاری؛ داشتن روحیه کارآفرینی (سانتومرو^۳، ۲۰۰۳)؛ پرهیز از اسراف و تبذیر و توجه به تحول در مشاغل و حرفه‌ها (سیگفرد^۴، ۱۹۹۸). خوشبختانه آموزش و پرورش ما نیز توجه به این مقوله مهم در ساحت اقتصادی سند تحول بنیادین توجه کرده است. با اینحال، حوزه تربیت اقتصادی در دوره متوسطه هم اکنون از مهمترین محورهای مغفول در کتاب‌های درسی به شمار می‌رود (پیغامی، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر آموزش و پرورش متوسطه نتوانسته مفاهیم پیچیده اقتصادی امروز را با مفهوم پردازی‌های مناسب به مدرسه منتقل کند تا نسل آینده برای مواجهه با مشکلاتش، بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی تربیت شود. حتی کودک پیش دبستانی، در سال‌های نخستین تحصیلش نیازمند این است که بداند کارکردن با ارزش و امری است لذت بخش، مقدس و ثمره کار، درآمد است (پیغامی، ۱۳۹۳).

از نظر بکر (۲۰۰۱) تربیت اقتصادی تمام مهارت‌ها و توانمندی‌هایی را در بر می‌گیرد که بر دانش اقتصاد متمرکز است و شامل محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی این روش‌ها و به طور کلی اطلاعات اقتصادی عمومی است که از دوره ابتدایی تا پایان دبیرستان، معلمان باید به آن توجه کنند و ضرورت دارد که دانش‌آموزان به آن‌ها دست یابند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰، ص ۶). بکر، گرین و روزن^۵ (۱۹۹۰) در پژوهش خود با عنوان "سواد اقتصادی در مدارس متوسطه"، نشان دادند که ۴۹/۵ درصد از دانش‌آموزان از کمکی که مدارس برای رشد آگاهی‌های اقتصادی آن‌ها داشته اظهار رضایت نداشته‌اند و تنها ۲۰ درصد از آن‌ها اعلام کردند که درس‌هایی پراکنده در رابطه با تربیت اقتصادی در طول سال تحصیلی گذشته‌اند. نتایج مصاحبه آن‌ها نیز نشان داد که سطح علایق و دانش دانش‌آموزان، همبستگی قوی با آن چه که در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود دارد (نقل از مولی زاده و همکاران، ۱۳۹۴). پیغامی و تورانی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا" با استفاده از روش کیفی نشان دادند که نهادهای تصمیم‌ساز کلان و راهبردی کشور نمی‌توانند نسبت به رفتارسازی و فرهنگ‌سازی اقتصادی ایرانیان مبتنی بر ابعاد اسلامی ایرانی بی توجه باشند، لذا ضروری است تا نسبت به برنامه‌های درسی مغفولی چون اقتصاد در برنامه درسی ملی به طور ویژه اهتمام ورزند. احمدی، امام جمعه و علیزاده کنتلوئی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان "بررسی میزان توجه به مولفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی" به روش تحلیل محتوا نشان دادند که میزان توجه به هر یک از مولفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی متفاوت است؛ ضمناً به مولفه‌های سواد اقتصادی بیشتر از سواد مالی پرداخته شده است. اسلامی بیدگلی و کریم خانی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی - اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار" به واشکافی و فهم ابعاد مختلف سواد مالی پرداخته‌اند و آنرا مولود عصر مالی سازی می‌دانند. این پژوهش سواد مالی را در زمینه‌های نئولیبرالیسم،

¹ - Beker

² - Bach

³ - Santomero

⁴ - Siegfried

⁵ - Becker

توضیح داده است. موسی زاده و عظیم زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که باید بر مبنای سه مؤلفه هدف، ابزار و آسیب شناسی؛ استنباط‌های تربیتی انجام گیرد تا اهداف آموزشی در سطوح شناختی، نگرشی و توانشی بر اساس آیات قرآن در حوزه تربیت اقتصادی تدوین شود و مورد استفاده آموزش و پرورش قرار گیرد. سامه آیلاز و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که می‌توان با ارائه متون اقتصادی به دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای مناسب تربیت، نظیر خدمت به کشور و تلاش برای ساختن اقتصاد ملی و اسلامی در دانش‌آموزان شوق و انگیزه اقتصادی لازم را ایجاد کرد. آدم زاده و دروگریان (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که کارآفرینی را می‌توان به عنوان موضوعی بین رشته‌ای آموزش داد. آن چه در دنیای امروز کارآفرینی را دامن زده و مورد توجه محققین قرار داده است، نگرانی مدیریت اقتصادی کشورها و سیاست مداران در رابطه با اشتغال و مشکل بیکاری است که به طور فزاینده‌ای تفکر خود اشتغالی را به عنوان راه حل مورد توجه آن‌ها قرار داده است. این مطالعه نشان داد رشد و توسعه کارآفرینی در دوران مدرسه می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند. ژبرو^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود بیان کردند که معلم را باید به عنوان روشن فکر و اندیشمندی نگرست که به نوعی تفکر اشتغال دارد. معلم را نباید فقط به عنوان مجری نگرست که از لحاظ حرفه و تخصص مجهز شده است تا اهداف را تحقق بخشد، بلکه آن‌ها متخصصانی هستند که با تلاش خود آینده‌ای روشن را برای کشور رقم می‌زنند. باج^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان داد که نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه پکن مطلوب است. با این وجود، فراگیران هنوز فاقد دانش و مهارت های تربیت اقتصادی بودند. باناسزاک^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان میزان توجه به ویژگی‌های تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در اسپانیا نشان داد که برنامه درسی در بعد شناختی به میزان ۲۰/۱۰ درصد، بعد عملکردی به میزان ۶/۱۰ درصد و بعد نگرشی به میزان ۳/۱۵ درصد به ویژگی‌های تربیت اقتصادی توجه شده است که این موضوع بیانگر کم‌توجهی به این مؤلفه‌هاست. چنگ^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان نقش معلم در رابطه با فعالیت‌های تربیتی - اقتصادی دانش‌آموزان " نشان داد که معلم نقش مهم‌تری نسبت به سایر عوامل در تربیت اقتصادی دارد لذا معلم می‌تواند با تقویت روحیه کسب و کار و قدرت تفکر در فراگیران به انتخاب شیوه‌های درست و تربیت اقتصادی کمک کند. لنی و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق خود با عنوان اثربخشی آموزش تربیت اقتصادی بر روی دانش‌آموزان پیش دبستانی " نتیجه گرفت که دانش‌آموزان دارا و بی بهره از برنامه در تربیت اقتصادی تفاوت معناداری با یکدیگر در حوزه اقدام و عمل اقتصادی دارند. میکا^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان جایگاه آموزش اقتصاد در دروس ریاضی و فیزیک دبیرستان به این نتیجه رسید که این دروس می‌توانند به تربیت توانایی و تفکر اقتصادی کمک کنند. پاندی و باهاتاچاریا (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان سواد اقتصادی معلمان متوسطه در هندوستان نشان دادند که معلمان دوره متوسطه از سطح پایینی در سواد مالی برخوردارند. سطح سواد اقتصادی در بین دو جنس و مدارس متفاوت بود.

¹-Jeroks

² - Bach

³ - Banaszak

⁴-Cheng

⁵-Paten

بر پایه مرور پیشینه نظری و بررسی کارهای پژوهشی مختلف انجام شده در این رابطه، ملاحظه می‌گردد که در کشورهای پیشرفته دنیا علی‌رغم این که کتب و مجلات مختلفی را برای آموزش‌های اقتصادی به زبان ساده دارند که از سنین پایین آغاز می‌کنند. کتاب‌هایی مثل بچه‌های هوشمند^۱ و پول هوشمند^۲ والدین را راهنمایی می‌کنند که چگونه فرزندان باهوش از نظر پولی تربیت کنند. یکی از مجموعه‌هایی که سال‌ها در این حوزه مشغول است، انتشارات وایلی^۳ در آمریکا است که چند هزار کتاب با این ادبیات منتشر کرده است. اما در کشور ما تحقیقات اندکی در این زمینه انجام گرفته است. لذا با عنایت به مطالب ارائه شده، پژوهش حاضر قصد دارد به تحلیل وضع موجود مولفه‌های سواد اقتصادی دوره دوم متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان بپردازد. بنابراین برای رسیدن به این هدف، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل می‌باشد:

۱. وضعیت اهداف سواد اقتصادی از دیدگاه معلمان چگونه است؟

۲. وضعیت اجرای سواد اقتصادی از دیدگاه دانش‌آموزان چگونه است؟

۳. وضعیت محتوای سواد اقتصادی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش:

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی از نوع پیمایشی و توصیفی از نوع تحلیل محتوا با به کارگیری روش "آنتروپی شانون" می‌باشد. جامعه آماری شامل تمامی معلمان (۱۲۰ نفر) و دانش‌آموزان (۳۶۰ نفر) دوره دوم متوسطه منطقه دشت‌سر شهرستان آمل و کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه می‌باشد. نمونه تحقیق حاضر به صورت تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۶۰ نفر معلم و ۱۸۴ نفر دانش‌آموز می‌باشند که جزییات آن به ترتیب جدول (۱) می‌باشد.

جدول ۱: حجم نمونه بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و نوع مدرسه

نوع مدرسه		رشته تحصیلی			جنسیت		تعداد	
پسرانه	دخترانه	علوم تجربی	ریاضی و فیزیک	علوم انسانی	زن	مرد		
۳۰	۳۰	۲۰	۲۰	۲۰	۳۰	۳۰	۶۰	معلم
۱۴۷	۶۲	۱۵	۱۵	۱۶	۹۲	۹۲	۱۸۴	دانش‌آموز

¹ - Smart Kids

² - Smart Money

³ - Wiley

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته برای پاسخ به سوال اول و دوم تحقیق (وضعیت اهداف و اجرای تربیت اقتصادی) و تحلیل محتوا کتاب جامعه‌شناسی و اقتصاد رشته علوم انسانی پایه دهم برای پاسخ به سوال سوم تحقیق استفاده شد. پرسشنامه محقق ساخته سواد اقتصادی: این ابزار شامل دو بخش می‌باشد: بخش اول به اطلاعات زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی معلمان و دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش اختصاص دارد و بخش دوم در ارتباط با ابعاد و مولفه‌های سواد اقتصادی در برنامه درسی می‌باشد. این بخش مشتمل بر ۲۹ سوال و ۸ مولفه تربیت اقتصادی شامل حفظ و توسعه ثروت (۴ گویه)، اقتصاد و معیشت (۶ گویه)، قوانین کسب و کار (۱ گویه)، پرهیز از بطالت و بیکاری (۴ گویه)، توجه به کار آفرینی (۴ گویه)، پرهیز از اسراف و تبذیر (۵ گویه)، درآمد کسب حلال (۱ گویه)، و تحول مشاغل و حرفه‌ها (۴ گویه) می‌باشد. شیوه نمره-گذاری سوالات این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت با وزن‌های: خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم بود. به منظور تعیین روایی محتوایی پرسش‌نامه، از نظرات ۳ نفر از استادان رشته مطالعات برنامه درسی و ۲ نفر از استادان اقتصاد استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس رضایت تحصیلی ۰/۹۱ به دست آمد. برای تحلیل محتوا کتاب‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی پایه دهم متوسطه، ابتدا با توجه به مبانی علمی مولفه‌های سواد اقتصادی، فهرست واری‌های ساخته شد و پس از تعیین واحد تحلیل (کلمه و مضامین) و استخراج داده‌ها بر اساس فهرست واری‌های سواد اقتصادی، برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از فرم تحلیل محتوا از روش آنتروپی شانون استفاده شد. این روش دارای سه مرحله: مرحله اول، ماتریس فراوانی‌های موردنظر باید به‌نحار شود، مرحله دوم بار اطلاعاتی هر مقوله باید محاسبه شود و در مرحله سوم ضریب اهمیت هر مقوله باید محاسبه شود. هر مقوله که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.

یافته‌های پژوهش:

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد در شاخص حفظ و توسعه ثروت مقدار میانگین به دست آمده ۱۳/۳۸ است. در شاخص اقتصاد و معیشت، میانگین معادل ۲۱/۱۵ می‌باشد. در شاخص کسب و کار میانگین معادل ۳/۰۶ می‌باشد. در شاخص بطالت و بیکاری، میانگین ۱۳/۱۰ است. در شاخص کارآفرینی میانگین ۱۱/۹۰ می‌باشد. در شاخص اسراف و تبذیر میانگین برابر ۱۳/۵۰ می‌باشد. در شاخص کسب حلال، میانگین ۳/۳۸ است. در نهایت در شاخص تحول شغل و حرف میانگین ۱۵/۴۳ بوده است.

جدول ۲: آزمون تی تک نمونه ای اهداف سواد اقتصادی از دیدگاه معلمان

مولفه	میانگین	انحراف معیار	t	انحراف استاندارد	سطح معناداری
حفظ و توسعه ثروت	۱۳/۳۸	۳/۱۲	۳۲/۶۶	۳/۱۷	۰/۰۰۰
اقتصاد و معیشت	۲۱/۱۵	۳/۹۱	۴۱/۸۶	۳/۹۱	۰/۰۰۰
کسب و کار	۳/۰۶	۰/۷۷۸	۳۰/۵۲	۰/۷۷۸	۰/۰۰۰
بطالت و بیکاری	۱۳/۱۰	۲/۱۹	۴۶/۲۹	۲/۱۹	۰/۰۰۰
کارآفرینی	۱۱/۹۰	۴/۰۱	۲۲/۹۳	۴/۰۱	۰/۰۰۰
اسراف و تبذیر	۱۳/۵۰	۳/۱۶	۳۳/۰۴	۳/۱۶	۰/۰۰۰
کسب حلال	۳/۳۸	۰/۷۳۸	۳۵/۴۸	۳/۳۸	۰/۰۰۰
تحول شغل و حذف	۱۵/۴۳	۴/۹۳	۲۴/۲۴	۴/۹۳	۰/۰۰۰

نتایج آزمون تی تک نمونه برای شاخص های هشت گانه از دیدگاه معلمان ارائه شده است. با توجه به سطح معناداری آماره تی در تمامی شاخص های یاد شده کمتر از ۰/۰۵ می باشد، می توان گفت تفاوت معنی داری میان میانگین واقعی و مفروض (که مقدار برش آن ۳ در نظر گرفته شده است) وجود دارد. در نتیجه در تمامی شاخص های فوق الذکر فرض صفر رد و فرض مقابل آن تایید می شود. در تحلیل یافته های توصیفی و استنباطی سوال اول تایید می شود که نمره بیشتر پاسخگویان در این مولفه ها در سطح بیشتر از متوسط بوده است. به عبارت دیگر معلمان معتقد هستند وضع اهداف تربیت اقتصادی از میانگین تحقیق بالاتر است و آنها وضع تربیت اقتصادی را نسبتاً خوب گزارش کرده اند.

نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای اجرای سواد اقتصادی از دیدگاه دانش آموزان در جدول ۳ آورده شده است. در خصوص شاخص حفظ و توسعه ثروت مقدار میانگین ۱۳/۹۴ بدست آمده است. در شاخص اقتصاد و معیشت، میانگین معادل ۲۱/۸۹ می باشد. در شاخص کسب و کار، میانگین معادل ۳/۵۵ می باشد. در شاخص بطالت و بیکاری، میانگین ۱۴/۲۰ می باشد. در شاخص کارآفرینی، میانگین ۱۴/۰۵ می باشد. در شاخص اسراف و تبذیر میانگین برابر ۱۵/۴۱ می باشد. در شاخص کسب حلال، میانگین ۳/۸۵ است. در نهایت در شاخص تحول شغل و حرف، میانگین ۱۷/۹۱ می باشد.

جدول ۳: آزمون تی تک نمونه ای نحوه اجرای سواد اقتصادی از دیدگاه دانش‌آموزان

مولفه	میانگین	انحراف استاندارد	t	انحراف استاندارد	سطح معناداری
حفظ و توسعه ثروت	۱۳/۹۴	۲/۵۳	۷۴/۵۱	۲/۵۳	۰/۰۰۰
اقتصاد و معیشت	۲۱/۸۹	۳/۸۰	۷۸/۰۰	۳/۸۰	۰/۰۰۰
کسب و کار	۳/۵۵	۰/۹۱۵	۵۲/۷۵	۰/۹۱۵	۰/۰۰۰
بطالت و بیکاری	۱۴/۲۰	۲/۵۶	۷۵/۲۵	۲/۵۶	۰/۰۰۰
کارآفرینی	۱۴/۰۵	۲/۸۰	۶۷/۹۳	۲/۸۰	۰/۰۰۰
اسراف و تبذیر	۱۵/۴۱	۲/۸۰	۷۴/۴۸	۲/۸۰	۰/۰۰۰
کسب حلال	۳/۸۵	۱/۰۵	۴۹/۵۳	۱/۰۵	۰/۰۰۰
تحول شغل و حرف	۱۷/۹۱	۳/۰۸	۷۸/۶۹	۳/۰۸	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری آماره تی در تمامی مولفه‌های یاد شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری میان میانگین واقعی و مفروض (که مقدار برش آن ۳ در نظر گرفته شده است) وجود دارد. در نتیجه در تمامی شاخص‌های فوق‌الذکر فرض صفر رد و فرض مقابل آن تایید می‌شود. لذا با توجه تحلیل توصیفی و استنباطی می‌توان گفت از دیدگاه دانش‌آموزان اجرای سواد اقتصادی در مدارس در شرایط نسبتاً مطلوبی قرار دارد.

جدول ۴: فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت کتاب جامعه‌شناسی پایه دهم بر حسب مولفه‌های

سواد اقتصادی

مولفه	فراوانی	مقدار بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	درصد اهمیت
حفظ و توسعه ثروت	۶	۱۶/۹۸	۰/۰۲۲۹	۲/۲۹
اقتصاد و معیشت	۷	۱۹/۸۱	۰/۰۲۶۷	۲/۶۷
کسب و کار	۲	۵/۶۶	۰/۰۰۷۶	۰/۷۶
پرهیز از بطالت و بیکاری	۰	۰	۰	۰
کار آفرینی	۱	۲/۸۳	۰/۰۰۳۸	۰/۳۸
پرهیز از اسراف و تبذیر	۴	۱۱/۳۲	۰/۰۱۵۲	۱/۵۲
کسب حلال	۴	۱۱/۳۲	۰/۰۱۵۲	۱/۵۲
تحول شغل و حرفه	۸	۲۲/۶۴	۰/۰۳۰۵	۳/۰۵

با توجه به جدول ۴ مولفه های تحول شغل و حرفه (۳/۰۵ درصد) و اقتصاد و معیشت (۲/۶۷ درصد) و حفظ و توسعه ثروت (۲/۲۹ درصد) بیشترین اهمیت و مولفه های پرهیز از بطالت و بیکاری (۰ درصد) و کارآفرینی (۰/۳۸ درصد) کمترین اهمیت را در کتاب جامعه شناسی پایه دهم دارند.

جدول ۵: فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت کتاب اقتصاد پایه دهم بر حسب مولفه های سواد اقتصادی

مولفه	فراوانی	مقدار بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	درصد ضریب اهمیت
حفظ و توسعه ثروت	۲۷	۱۰۴/۷۱	۰/۱۴۱۲	۱۴/۱۲
اقتصاد و معیشت	۷	۱۹/۸۱	۰/۰۲۶۷	۲/۶۷
کسب و کار	۴	۱۱/۳۲	۰/۰۱۵۲	۱/۵۲
بطالت و بیکاری	۷	۱۹/۸۱	۰/۰۲۶۷	۲/۶۷
کار آفرینی	۵	۱۴/۱۵	۰/۰۱۹۰	۱/۹۰
اسراف و تبذیر	۳	۸/۴۹	۰/۰۱۱۴	۱/۱۴
کسب حلال	۱۰	۲۸/۳۰	۰/۰۳۸۱	۳/۸۱
تحول شغل و حرفه	۷	۱۹/۸۱	۰/۰۲۶۷	۲/۶۷

با توجه به جدول ۵ مولفه ی حفظ و توسعه ثروت (۱۴/۱۲ درصد) بیشترین اهمیت و مولفه های کسب و کار (۱/۵۲ درصد)، کارآفرینی (۱/۹۰ درصد) و پرهیز از اسراف و تبذیر (۱/۱۴ درصد) کمترین میزان اهمیت را در کتاب اقتصاد سال اول پایه دهم دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از دیدگاه معلمان میزان مطلوبیت مولفه‌های سواد اقتصادی در اهداف نسبتاً مطلوب (متوسط) می‌باشد. که مولفه اقتصاد و معیشت با بیشترین میانگین وزنی (۱۳/۳۸)، و مولفه کسب حلال و مولفه کسب و کار (۳/۳۸) و (۳/۰۶) دارای کمترین میانگین وزنی بوده است. از دیدگاه دانش‌آموزان وضعیت اجرای مولفه‌های سواد اقتصادی نسبتاً مطلوب (متوسط) می‌باشد. که مولفه اقتصاد و معیشت با میانگین (۲۱/۸۹) و مولفه تحول شغل و حرفه با میانگین وزنی (۱۷/۹۱) دارای بیشترین میانگین، و مولفه کسب حلال و مولفه کسب و کار (۳/۸۵) و (۳/۵۵) با کمترین میانگین وزنی بوده است. همچنین نتایج آنتروپی شانون نشان داد در کتاب جامعه شناسی از مجموع ۳۲ واحد ضبط شمارش شده، بیشترین ضریب اهمیت را مولفه تحول شغل و حرفه (۳/۰۵) و اقتصاد و معیشت (۲/۶۷) و کمترین ضریب اهمیت را مولفه بطالت و بیکاری (۰) و کارآفرینی (۰/۳۸) دارا می‌باشد. تحلیل محتوای کتاب اقتصاد نیز نشان داد از مجموع ۷۰ واحد ضبط شمارش شده، ضریب اهمیت مولفه حفظ و توسعه ثروت با (۱۴/۱۲) بیشترین و مولفه اسراف و تبذیر (۱/۱۴)، کسب و کار (۱/۵۲) و کارآفرینی (۱/۹۰ درصد) کمترین بود. نتایج پژوهش حاضر با یافته های

موسی زاده و عظیم زاده (۱۳۹۴)، دلپیت (۱۹۹۹)، آدم زاده و دروگریان (۱۳۸۷)، روزی جو و همکاران (۱۳۹۳) همسوئی دارد.

در تحلیل این یافته، می‌توان گفت که برای رسیدن به سواد اقتصادی بر طبق اهداف سند تحول بنیادین، بازنگری در محتوای کتاب‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی پایه دهم ضروری است و باید به مولفه‌های سواد اقتصادی خصوصاً مولفه توجه به کسب و کار، کسب حلال، حفظ و توسعه ثروت و کارآفرینی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه توجه بیشتری شود. همچنین با توجه به نقش معلمان در تحقق آموزش اثربخش و کارآمد، مولفه‌های سواد اقتصادی خصوصاً مولفه کسب و کار، کارآفرینی و توجه به ثروت باید به معلمان آموزش داده شود.

با توجه به اهمیت و ضرورت سواد اقتصادی برای دانش‌آموزان، ضروری است مفهوم سواد اقتصادی با توجه به شاخصه‌های زیر ساختی آن یعنی اقتصاد و تربیت باز تعریف شود و فعالیتهای آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان دوره متوسطه به منظور ایجاد توانمندیهای لازم در آنها، با هدف سواد مالی و اقتصادی مطرح شود. بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی باید با تهیه و تدارک برنامه‌ها و سیاست‌ها در سطوح کلان، خرد، ملی و منطقه‌ای، در حوزه‌های بودجه‌ای و تسهیلاتی زمینه‌های لازم را برای کار و کسب درآمد، پرهیز از بطلت، کارآفرینی، توجه به تحول مشاغل و حرفه را پدید آوردند. همچنین برنامه‌ریزان درسی باید توجه بیشتری به این مقوله‌ها در هدف‌گذاری، سازماندهی، طراحی محتوای کتاب‌های درسی و تهیه راهنما جهت اجرای موثر، داشته باشند و معلمان و دانش‌آموزان نیز در صدد جبران بیشتر در زمینه سواد اقتصادی بر آیند. بر این اساس، یکی از نیازهای ضروری که در برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد و با زندگی روزمره شهروندان یک کشور آمیخته است و باید به طور جدی در سطوح مختلف تحصیلی به آن پرداخته شود، آموزش‌های مربوط به سواد اقتصادی است. چرا که آراء و نظریات اقتصادی از هر جهت در زندگی افراد برای حل حادترین مسائل یعنی مشکلات اقتصادی تاثیر دارد. بنابراین باید از سوی برنامه‌ریزان آموزشی برای ترویج آگاهی‌ها و اهمیت اقتصاد و دستیابی به سواد مالی و اقتصادی تلاش‌های مستمر و فشرده صورت پذیرد. شایان ذکر است دوره دوم متوسطه از دوره‌های مهم و حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. چرا که این دوره، دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در این دوره قسمت اعظم استعدادهای خاص نوجوانان و جوانان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد، کنجکاوای آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند، از این رو در نظر گرفتن مختصات این دوره در برنامه‌ریزی آموزشی تربیت اقتصادی اهمیت زیادی دارد.

پژوهش حاضر همچون سایر پژوهش‌ها، با محدودیت‌هایی روبه‌روست. یافته‌های این پژوهش محدود به نظرسنجی از معلمان و دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل و تحلیل محتوای کتاب درسی جامعه‌شناسی و اقتصاد پایه اول دبیرستان رشته علوم انسانی است، بنابراین، پیشنهاد می‌گردد، تحقیق مشابهی در جامعه آماری بزرگتر و همچنین در مورد دیگر کتاب‌ها و رشته‌های دوره متوسطه انجام گیرد. همچنین با توجه به اینکه در سواد اقتصادی دانش‌آموزان، معلمان نقش کلیدی دارند و تا آن‌ها از نظر دانش و نگرش

نسبت به آگاهی‌های شناختی مسلط نشوند، در به کارگیری آن موفق نخواهند شد. بنابراین گنجاندن محتوای مبتنی بر آگاهی‌ها در راهنمای تدریس معلم و آموزش معلمان در این موارد، امر ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- احمدی، غلامعلی؛ امام جمعه، سید محمدرضا؛ علیزاده کنتلوئی، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. ۱۲(۲)، ۱۷۲-۱۹۲.
- آدم زاده، عفت؛ فاطمه، آدم زاده و فتاح، دروگریان. (۱۳۸۷). تاثیر تعلیم و تربیت بر کارآفرینی و توسعه اقتصادی، اولین همایش ملی توسعه فعالیتهای اقتصادی، تهران، دانشگاه پیام نور.
- اسلامی بیدگلی، سعید و کریم خانی، میثم. (۱۳۹۵). سواد مالی: زمینه‌های سیاسی - اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار، نشریه تحقیقات مالی، ۱۸(۲)، ۲۵۱-۲۷۴.
- اصغری، محمود. (۱۳۹۲). تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌های اجتماعی اسلام، ۴(۹۹)، ۳۳-۵۱.
- پیغامی، عادل و تورانی، وحید. (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی. ۳۷(۹)، ۳۲-۳۶.
- سامه آیلا، صیاد؛ روزی جوکور عباسلو، فرهاد و روزی جو، رضا. (۱۳۹۴). نقش معلمان در تربیت اقتصادی دانش‌آموزان. کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات.
- موسی زاده، زهره. عظیم زاده اردبیلی، فائزه. صنعتی، فاطمه. (۱۳۹۴). کاربست مؤلفه‌های حوزه‌ی توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. دو فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۳(۵)، ۵-۲۰.
- علیپور، فاطمه؛ ناطقی، فائزه و فقیهی، علیرضا. (۱۳۹۵). شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریه داده بنیاد، دومین کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم کاربردی، دبی.
- عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۰). آموزش و توزیع درآمدها، مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۱(۱)، ۲۰۳-۲۲۷.
- مولی زاده، زهره و عظیم زاده، فائزه و صنعتی، فاطمه. (۱۳۹۴). کاربست مؤلفه‌های حوزه‌ی تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه علمی، ۳(۵)، ۲۴-۲۶.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- Banaszak, R. n.d. (2008). Directory of organizations providing business and economic education. San Francisco, Calif.: Foundation for Teaching Economics.

- Becker William, Greene William & Sherwin Rosen (1990). [Research on High School Economic Education](#) [the Journal of Economic Education](#) Vol. 21, Iss. 3.
- Bach, G. L., and P. Saunders. (2009). Economic education: Aspirations and achievements. *American Economic Review* 55 (June): 329–56. [\[Web of Science ®\]](#)
- Brinia, V., Vikas, E., (2014) Innovations in the teaching methodology of the economic science in Secondary Education: The introduction of art in teaching the course "Principles of the Economic Theory", Athens. Volume 14, Issue 1. Pages 419–422.
- Chanchala Pandey, S. B. Bhattacharya (2012). Economic literacy of senior secondary School teachers: a field study. *Journal of All India Association for Educational Research* Vol. 24, No. 1, June 2012.
- Cheng, L. (2007). Cultural Intelligence: A Quest for Cultural Competence. *Communication Disorders Quarterly*, 1(29), 36-42.
- Giroux, H. (1994) Teachers, Public Life, and Curriculum Reform. *Peabody Journal of Education*, Vol. 69, No. 3, pp. 35-47.
- Leny , N. and Budy , S. and Muhammad , S. (2015). Economic Education Laboratory. *Journal of education and practice*, 6(33), 93-94.
- Mica, S. M. (2015). Students perception on the prospect of Economics Education Study program. *Journal of education and practice*, 6(28), 139-142.
- Santomero, A. (2003), *Knowledge is Power: Importance of conomic Education*, Westchester: Westchester University Press.
- Siegfried, J. & Meszaros, B. (1998), "Voluntary Economics ContentStandards for America's Schools: Rationale and Development", *The Journal of Economic Education*, ۲(۲۹), 139-149.